

آخرین دفاعیات

تقی ارانی، خسرو روزبه
خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان

تصحیح و مقدمه
جمشید پور اسمعیل
هدی اسعدی



انتشارات آرمان نسل نو

تبریز - ۱۳۹۵

- سرشناسه : پوراسمعیل نیازی، جمشید، ۱۳۵۳ -
- عنوان و نام پدیدآور : این دعاویات نفی اراتنی، خسرو روزبه، خسرو گلسرخی و کرامت‌الله دانشیان/ مصحح: ابله جمشید پوراسمعیل نیازی، هدی اسمعیلی.
- مشخصات نشر : تهران: فرمان، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص. ۲۱ × ۱۲.۵ سانتی‌متر، ۲۱ س. م.
- شابک : 978-600-6629-9-1
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- موضوع : اراتنی، نفی، ۱۲۸۱ - ۱۳۱۸ -- محاکمه‌ها، دعاوی و غیره
- موضوع : روزبه، خسرو، ۱۲۹۴ - ۱۳۳۷ -- محاکمه‌ها، دعاوی و غیره.
- موضوع : گلسرخی، خسرو، ۱۳۲۲ - ۱۳۵۲ -- محاکمه‌ها، دعاوی و غیره.
- موضوع : دانشیان، کرامت‌الله، ۱۳۲۵ - ۱۳۵۲ -- محاکمه‌ها، دعاوی و غیره.
- موضوع : محاکمه‌های سیاسی -- ایران
- موضوع : Trials (Political crimes and offenses) -- Iran
- موضوع : مبارزان سیاسی -- ایران
- موضوع : Political activists -- Iran
- موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷
- موضوع : Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1978
- شناسه افزوده : اسمعیلی، هدی، ۱۳۵۷ -
- رده بندی کنگره : DSR1۴۷۶/پ۹۱۳ ۱۳۹۵
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۵۶۱۱۶



آخرین دفاعیات

مفتی ارانی، خسرو روزبه
خسرو گلستانی و کرامت الله دانشیان

نصیح و مصلحه:

جمشید پور اسمعیل یازی
هدی اسعدی

انتشارات آرفان نسل نو

تبریز - چهارراه بهشتی (منصور) - ط ۳ زیرزمین پلاک ۴

همراه: ۹۱۴ ۷۷۷۷ ۴۶۶

Np_nashr@yahoo.com

فرشید :	تألیف، طراحی و صفحه‌آرایی
اول - ۱۳۹۵ :	نوبت چاپ
رقمی ۲۲۴ ص :	اندازه و تعداد صفحه
اعظم - نوبل :	چاپ و صحافی
۱۰۰۰ نسخه :	تیراژ

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۲۹-۹-۱ - ISBN: 978-600-96429-9-1

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلفان محفوظ و هرگونه کپی برداری ممنوع می‌باشد.

فهرست

۷	مقدمه
	فصل نخست:
۲۵	تقی ارانی
	فصل دوم:
۵۷	خسرو روزبه
	فصل سوم:
۲۱۵	خسرو گلبرخی
	فصل چهارم:
۲۲۱	کرامت الله دانشیان

اندیشه‌های سوسیالیستی، مارکسیستی و کمونیستی در ایران از سه طریق عمدتاً شکل گرفت.

الف - از طریق نشریات (اعم از نشریاتی که در عثمانی، روسیه و ایران چاپ می‌شد).

ب - از طریق کسانی که گران مهاجر که جهت کار به کشورهای همجوار خصوصاً همسایه، (عالم روسیه/ شوروی) مهاجرت می‌نمودند.

ج - از طریق دانشجویانی که از دوران امیر کبیر به بعد برای تحصیل به اروپا می‌رفتند.

از انقلاب مشروطه خواهی ایران به بعد جریانات چپ نقش بسیار مهمی در شکل گیری جنبش های اجتماعی بازی نموده اند.

تأسیس احزاب گوناگون، انتشار نشریات و کتب مختلف، راه اندازی اتحادیه های متعدد، برپایی راهپیمایی های حری و سازشانی و... از جمله اقداماتی است که این جریانات در عرصه ی سیاست داخلی و عملی ایران برعهده داشته اند. فعالان چپ در ایران تأثیرات بالفعل بسیاری گذاشته و در عین حال خود نیز از شرایط موجود متأثر بوده اند. فراز و فرود شکل گیری جریانات چپ در ایران در این مقدمه نمی گنجد و وقت و زمینه ی مستعدی می طلبد لذا بررسی جریانات چپ را به زمانی دیگر موکول می کنیم باشد که بتوانیم در آینده فرصت این کار را فراهم سازیم.

کتاب حاضر مشتمل است بر دفاعیات دکتر تقی ارانی، خسرو روزبه، خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان.

دکتر تقی ارانی

تقی ارانی فرزند ابوالفتح در ۱۳ شهریور ۱۲۸۲ شمسی در اران از توابع تبریز در خانواده‌ی یک کارمند ساده وزارت دارایی به دنیا آمد. وی پس از انتقال پدرش به تهران تحصیلات ابتدایی را در ۱۲۹۳ ش. در مدرسه‌ی شرف و دوره‌ی متوسطه را (۱۲۹۴-۱۳۰۰) در دارالفنون و دانشکده‌ی پزشکی را هم با نوبه‌ی اول به اتمام رسانده^۱ سپس عازم آلمان گردید و در دانشگاه برلن در رشته‌ی فلسفه به عنوان دانشجوی عادی نام‌نویسی کرد. در امتحانات ترم زمستانی (۱۹۰۱-۱۹۰۲) شرکت کرد و سال بعد امتحانات دوره‌ی دکترای و رساله‌ی «کتب‌الشیخ» (۱۹۲۶-۱۹۲۸) با موفقیت در فیزیک و شیمی گذراند و از دروس استادان بزرگ چون ماکس پلانک و آلبرت انشتین بهره برد.^۲

طی این سال‌ها (۱۳۰۱ ش.) منطق و بیان عربی^۳ را به عنوان دستیار آموزش زبان در بخش «اورتانی» دانشگاه برلن تدریس می‌کرد و از این راه شهریه‌ی دانشگاهی‌اش را می‌پرداخت.

در ۱۳۰۹ به ایران آمد و در مدرسه‌ی مختف تهران تدریس کرد. سپس رئیس تعلیمات صناعت (تعهد بورس دو ساله دولتی) و از لایق‌ترین اعضای آن گردید و تا اردیبهشت ۱۳۱۶ ش. که عفو شد، در این سمت بود.^۴

ارانی در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ شمسی در سن ۳۶ سالگی در زندان موقت تهران به مرض تیفوس درگذشته و یا به باور برخی دیگر از نویسندگان و فعالان توسط آمپول هوا به قتل رسید.

۱- بروجردی، حسین؛ ارانی فراترازمارکس، تهران، تازه‌ها، ۱۳۸۲، ص ۹.

۲- شاکری، خسرو؛ تقی ارانی در آینه تاریخ، تهران، اختران، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱.

۳- ارانی، تقی؛ متن دفاع در محکمه جنایی، تهران، انتشارات صبحدم، ص ۵.

۴- همان، ص ۱۸۲-۱۸۳.

۵- ارانی، پیشین، ص ۳.

ارانی و دوستانش^۱ در مدتی بسیار کوتاه، بدون هیچ گونه مقاومتی دستگیر شدند و پس از هشت ماه بازجویی پرونده‌های آنان همراه با گزارش مفصلی در دی ۱۳۱۶ به دادگستری فرستاده شد.

علی‌رغم پرونده‌سازی و بزرگ‌نمایی شهربانی، و با این که برای مسئولان حکومت مسلم بود که بازماندگانی از تشکیلات کمونیستی قبلی در این گروه بوده‌اند و مجله‌ی دنیا نیز در پس ظاهر علمی و غیرسیاسی‌اش ناشکار گروه و مروج جهان‌بینی مادی‌گرایانه و اندیشه‌های مارکسیستی بوده است، هم‌چنین روابطی که میان برخی از سران و کمیترن وجود داشته است؛ سؤالات و ابهامات، ظاهراً بنا به مصالح سیاسی و بین‌المللی، نخواستند تشکیلات پنجاه و سه نفر را با اتهاماتی چون جاسوسی یا وابستگی به نیروهای خارجی در دادگاه نظامی محاکمه کنند. علی‌اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، می‌گوید که پرونده‌ی پنجاه و سه نفر را برای اطلاع از مآوِج به وی سپرده‌اند و او سرپس‌خیزی، رئیس شهربانی را از تندروی جداً برحذر داشته است. او به جلسه‌ی هشت و نیران در حضور رضاشاه و «تأسف و تألم» شاه از دستگیری این عده اشاره می‌کند و از زبان وی این عبارت را نقل می‌کند: «همین قدر تنبیه آن‌ها کفایت است. البته باید آن‌ها را اندک گوشمالی داد، بعد هم آن‌ها را آزاد کرد بلکه مدتی محاکمت شوند».^۲

محاکمه‌ی گروه با شرکت وکیلان مدافع و حمیدرضا ظاهر آزادانه‌ی مردم و تحت مراقبت‌های امنیتی از ۱۱ تا ۲۲ آبان ۱۳۱۷ در بنایی قدیمی، جنب سر در الماسیه، محل کنونی وزارت دارایی، تشکیلات سند قضات دادگاه عبارت بودند از حسینقلی خان وحید، ابوالفضل رجاء و محمود دره همچنین فرهنگ دادستان دادگاه بود. اذعانامه‌ی دادستان را احمدی بختیاری،

^۱ - معروف به گروه ۵۳ نفر

^۲ - حسین مکی، تاریخ بیست ساله‌ی ایران، سی خاطره، ج ۶، تهران ۱۳۶۲ ش، ص ۳۷۲-۳۷۵.

دادیار، قرائت کرد. عده‌ای مأمور مسلح در جلسات دادگاه بین تماشاگرانی که ظاهراً بیش‌تر مأمور بودند، حضور داشتند.^۱

متهمان در جلسات دادگاه به جرایم و نحوه‌ی بازجویی‌ها اعتراض کردند و دفاعیاتی را که شخصاً یا به کمک و کیلان‌شان آماده ساخته بودند ایراد کردند. از مجموع آنان، سی و نه تن سابقه‌ی سیاسی نداشتند و نه تن در جنبش جنگل و فعالیت‌های کمونیستی قبلی شرکت داشتند. ده نفر، از جمله دکتر ارانی، به ده سال زندان، هشت نفر به شش تا هشت سال، هفده نفر به پنج سال و ده نفر به دو تا چهار سال زندان محکوم و سه تن دیگر تبرئه اما از تهران تبعید شدند.^۲ رأی دادگاه در ۲۴ آبان ۱۳۱۷ خوانده شد و حدود یک سال بعد دکتر ارانی به طرز مشکوکی در زندان درگذشت. بقیه‌ی محکومان در اوضاع آشفته‌ی ناشی از حمله‌ی متفقین و اشغال کشور در شهریور ۱۳۲۰، پس از ابراهیم کفایت‌کننده‌ی گریز رضاشاه از سلطنت و به موجب فرمان عفو عمومی که روز ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ رسماً ابلاغ گردید، از زندان آزاد شدند.

تقی ارانی در دفاعیاتش علی‌رغم ساختن به مفاهیم مارکسیستی و آرمان‌هایش، در اکثر مواقع به عنوان فردی با هم‌ری‌خواه وارد میدان می‌شود.

دفاعیات ارانی بازتاب شرایط سخت زندان در دوران رضاشاه و فشارها و پرونده‌سازی‌هایی است که در این دوران انجام می‌پذیرفته است.

^۱ - فضل‌الله گرگانی، «آن روی سکه: به مناسبت سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی»، دنیا، دوره‌ی چهارم، سال ۱، ش ۶ (اسفند ۱۳۵۸)، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ انور خامه‌ای، خاطرات سیاسی، تهران ۱۳۷۲ ش، ص ۱۴۲-۱۴۹؛ برای جزئیات رجوع کنید به بزرگ علوی، پنجاه و سه نفر، تهران ۱۳۵۷ ش، قسمت مربوط به دادگاه.

^۲ - پروانه آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه‌ی احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتحی، تهران ۱۳۷۷ ش، ص ۱۹۴-۱۹۷.

رویکرد ارانی در دفاعیاتش زیر سوال بردن قوای سه گانه و نشان دادن عدم مشروعیت حکومت می باشد.

از مهم ترین موارد دفاعیات وی می توان به نکته ای خاص اشاره نمود که معمولاً از نگاه محققان پنهان مانده است. با توجه به این که وی از نسل اولیه ی مارکسیست های وطنی می باشد، در نوشتارها و گفتارهایش مفاهیم ناسیونالیستی جایی ندارد و از ملت ایران سخن به میان می آورد.

این نکته از آن روی اهمیت دارد که به تدریج فعالان چپ براساس سراسر - زمان و تأویل های شخصی رویکرد ناسیونالیستی پیدا می کنند و این نمود از سال ۱۳۱۵ به بعد که فرقه ی دمکرات آذربایجان و کردستان شکست می خورد، پس از آن به چشم می خورد.

خسرو روزبه

خسرو روزبه فرزند دوم ضیاء لشکر در سال ۱۳۰۳ در شهر ملایر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه، آ. ب. یکایی ملایر و تحصیلات متوسطه را در همدان به پایان برد. سپس در دانشکده ی افری در رشته ی توپخانه و در دانشکده ی فنی از رشته ی مکانیک فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۱۸ به علت درگیری با فرمانده توپخانه ی ضد هوایی ۱۶ ماه و نیم به اهواز تبعید شد و سپس به تهران بازگشت.^۱

پس از شهریور ۱۳۲۰ در دانشکده ی افسری به تدریس پرداخت. وی از استادان باسواد دانشکده ی افسری محسوب می شد و مورد توجه رزم آرا رئیس دانشکده بود. روزبه کتبی در زمینه های ریاضی - فیزیکی تدوین کرد و در سال ۱۳۲۲ به حزب توده پیوست.^۲

^۱ - برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی

^۲ - چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۶، مرکز بررسی اسناد تاریخی، تهران: ۱۳۸۰، ص ۶۳.

سقوط رضاشاه و فروپاشی استبداد بیست ساله‌ی او فرصتی فراهم آورد تا گروه‌ها و احزاب سیاسی به حرکت افتاده تلاش سیاسی خود را آغاز کنند از جمله مارکسیست‌های بازمانده از حزب کمونیست ایران به همراه گروه ۵۳ نفر در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ در منزل محسن اسکندری گرد هم آمده حزب توده‌ی ایران را تأسیس کردند و محسن اسکندری به عنوان دبیر حزب توده‌ی ایران انتخاب شد.^۱

سازمان نظامی و یا به عبارتی سازمان افسران حزب توده هم در سال ۱۳۲۳ توسط عبدالحمید کامبخش، عزت‌الله سیامک و خسرو روزبه تأسیس شد و سران خسرو روزبه به عنوان هیئت اجرایی سازمان نظامی انتخاب شد.

روزبه تا سال ۱۳۲۴ در دانشکده‌ی افسری اشتغال داشت. در پی ماجرای افسران خراسان مدتی ۶ نفر شد. حاصل این دوران نگارش کتاب «اطاعت کورکورانه» بود که علیه شاه حاکم بر ارتش پهلوی با نام مستعار «سخر» (سروان خسرو روزبه) منتشر شد.^۲

سازمان افسران حزب توده یک هیئت دیران و یک هیئت اجرایی داشت که هیئت دیران دارای ۳ عضو بوده و سران در زمان دستگیری اعضای سازمان عبارت بوده‌اند از: ۱- خسرو روزبه به نام مستعار سعیدی، ۲- سرهنگ عزت‌الله سیامک، ۳- سرهنگ محمدعلی بسری، که از میان اعضا، سروان خسرو روزبه مسئولیت شاخه‌ی اطلاعات تمام حزب را عهده‌دار بود.^۳

به دنبال قیام افسران خراسان و واقعه‌ی آذربایجان، تلفات افسران حزبی در وقایع سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ چنان سنگین بود که در عمل سازمان

۱- همان، ص ۳.

۲- همان، ص ۶۳.

۳- همان، ص یازده و دوازده.

افسران حزب را متلاشی کرد. و عده‌ای که جان سالم به در بردند به شوروی پناه بردند، اما وجود سرهنگ سیامک، خسرو روزبه و سرهنگ مبشری و در امان ماندن‌شان از موج بگیری و بیندهایی که پس از قیام افسران خراسان، شکست آذربایجان و سرانجام حادثه‌ی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، در ارتش و سایر ارگان‌های دولتی رواج یافته بود، هسته‌ی اولیه‌ی دیگری را برای شکل‌گیری سازمان نظامی به صورتی کاملاً پنهانی و زیر نظارت مستقیم و مدیریت حزب سامان داده بود.^۱

بعد از حوادث آذربایجان در سال ۱۳۲۵، سازمان افسری کوچک و فعالی، آن‌ها را متحد شد. روزبه در صفحه‌ی ۴۵ اوراق بازپرسی نوشته است «لذا تصمیم گرفتیم - انعم متلاشی شدن سازمان نظامی بشویم». به این ترتیب سازمان افسری حزب توده را گز به معنای واقعی منحل نشد.^۲

روزبه در ۱۷ مرداد ۱۳۲۶ توسط رکن دوم ستاد ارتش دستگیر شد و در ۱۷ اردیبهشت همان سال توسط حسام لنکرانی، ابوالحسن عباسی و صفیه حاتمی از زندان دژبان‌هراری، آزاد شد. دادگاه ارتش غیباً او را به ۱۵ ماه زندان و اخراج از ارتش محکوم کرد.^۳

گفته می‌شود خسرو روزبه در قتل‌های حزب دست داشته است که از آن جمله می‌توان به ترور محمد مسعود روزناه، نگار سردبیر نشریه‌ی «مرد امروز» اشاره کرد. محمد مسعود در شماره‌ی ۱۳۷، در «روزنامه‌ی بر علیه اشرف خواهر شاه - به دلیل خرید پالتو پوستی گران -» منتشر ساخت که خشم دربار را برانگیخت. انور خامه‌ای در این باره می‌گوید: «هداً معلوم شد که اشرف پالتو را نخریده بلکه از پدر سوسیالیست‌های کمینترن، استالین هدیه گرفته است».^۴

^۱ - محمد علی عمویی، درد زمانه، آژان، تهران: ۱۳۷۷، ص ۴۲.

^۲ - عبدالله برهان، کارنامه حزب توده و راز سقوط مصدق، ج ۱، تهران: علم، ۱۳۷۸، ص ۳۷.

^۳ - جریان چپ به روایت اسناد ساواک، ص ۶۳.

^۴ - چه کسی محمد مسعود را کشت؟ روزنامه‌ی کارگزاران، س دوم، ش ۳۹، ص ۱۱.

وی در ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ در حدود ۱۱ شب هنگامی که از محل کار خود در خیابان لاله‌زار خارج می‌شد و ترور گردید. فردای آن روز تیر روزنامه‌ی مرد امروز چنین بود: «دیشب محمد مسعود کشته شد. و ظن قوی افکار عمومی متوجه دربار شد. این موضوع سال‌ها مسکوت ماند تا این که در اثر تحقیقات و اعتراف خسرو روزبه روشن شد که وی از موقعیت ائمه‌گرمی مسعود علیه اشرف استفاده کرده و نقشه‌ی ترور را طرح‌ریزی کرده تا گناه را به گردن خانواده‌ی سلطنتی بیندازد.

روزنامه‌ی فردین ۱۳۲۷ مجدداً دستگیر شد و دادستانی ارتش برای وی تقاضای اعدام نمود و در نهایت روزبه به ۱۵ سال زندان محکوم شد. او در آذر ماه ۱۳۲۹ همراه سایر رهبران حزب توده از زندان گریخت و در سازمان اطلاعات حزب توده به فعالیت پرداخت.^۱

از حوادث جنگ‌جالی و پیرس و صدای دولت رزم‌آرا، فرار این زندانیان توده‌ای از زندان قصر بود. خسرو روزبه در سال ۱۳۳۰ معاون شعبه‌ی اطلاعات سازمان نظامی و گردانندی آن شد.^۲ سازمان نظامی از ایدئولوژی حزب توده که همان هدف‌های سوسیالیستی و اشتراکی بود پیروی می‌کرد و فعالیت آن مخفی بود. برای ملی کردن نفت و در دوره‌ی حکومت دکتر مصدق، سازمان نظامی با فرمان‌برداری از رهبری حزب توده، علیه منافع ایران و در جهت پیش‌برد مقاصد امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا عمل می‌کرد. در کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ با آن که صدای این اعضا سازمان نظامی در یگان‌های رزمی و نهادهای اطلاعاتی بودند، رخنشی علیه کودتا نشان ندادند.

۱- جریان چپ در ایران، صص ۶۴، ۶۳.

۲- باقر عاقلی، نخست وزیران ایران، تهران: جاویدان، ۱۳۷۴، ص ۶۹۹.

۳- خسرو معتضد، شبکه سازمان نظامی افسران حزب توده ایران، تهران: علمی، ۱۳۷۹، ص ۴۱۵.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روزبه - عضو ستاد جنگی حزب توده - که به منظور مقابله با کودتا ایجاد شده بود به همراه سرهنگ علی اکبر چلیپا مدت کوتاهی به میان ایل قشقایی رفت.^۱ وی در سال ۱۳۳۵ در ترکیب هیئت اجرایی موقت حزب در داخل کشور به فعالیت ادامه داد. در این سال اکثر کادر حزب توده دستگیر و هسته‌ی مرکزی حزب توسط ۳ تن اداره می‌شد: روزبه، متقی و ثابت، که با دستگیری این افراد در نیمه‌ی تیر ۱۳۳۶ این شبکه‌ی کوچک نیز متلاشی شد.^۲

در سال‌های ۳۶ - ۱۳۳۵ روزبه به همراه تنی چند از افسران کوشیدند شبکه‌ی متلاشی‌شده را سامان دهند، اما رسوخ عوامل ساواک در بافت سازمانی حزب موجب دستگیری آنها شد.^۳

خسرو روزبه در تابستان ۱۳۳۶ در نتیجه‌ی خیانت اطرافیان به دنبال یک درگیری مسلحانه در ۱۵ تیر ۱۳۳۶ مجروح و دستگیر شد و در حین دستگیری عظیم‌عسگری را سزا به خیانت به خود معرفی کرد. روزبه پس از دستگیری در بیمارستان شماره ۲ اوشرحت عمل جراحی قرار گرفت و پس از بهبودی به زندان قزل قلعه منتقل شد. سرانجام وی پس از محاکمه در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ تیر باران شد.^۴

اعدام خسرو روزبه در میدان تیر حشمت در زمان گرفت و سرلشکر آزموده دادستان ارتش در اطلاعیه‌ای که متعاقب اعدام ام‌برده منتشر شد وی را در ۸ مورد مجرم شناخت. این موارد عبارت بودند از:

۱- فرار از زندان قصر در تاریخ ۱۳۲۹/۹/۲۴ به همراهی مله‌ای از سران و رهبران حزب توده.

^۱ - جریان چاپ به روایت اسناد ساواک، ج ۶، ص ۶۴.

^۲ - همان، ص ۶۴.

^۳ - خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱، ص ۳۵۰-۳۵۱.

^۴ - محمد علی عمویی، ص ۱۵۰.

- ۲- عضویت در جمعیت‌هایی با مرام اشتراکی و ضدیت با سلطنت و نیز اداره‌ی این جریان‌ها.
- ۳- عضویت در سازمان نظامی حزب توده و تلاش برای متشکل کردن نظامیان در این سازمان.
- ۴- جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات از سازمان‌های دولتی و تحویل آن‌ها به افراد بی‌صلاحیت.
- ۵- شرکت و دخالت در چندین فقره قتل.
- ۶- تیراندازی به سوی ماموران به قصد قتل آن‌ها در ۱۳۳۶/۴/۱۵ به سگاه نگیری.
- ۷- محاسن کردن متهمین به جنایت و یا فراری دادن آن‌ها از تعقیب و کیفر.
- ۸- توطئه به قصد برهم زدن اساس حکومت.^۱

علی‌رغم آن‌که خسرو روزبه خود را زردی لامذهب می‌نامد اما از متن دفاعیاتش چنین برمی‌آید که تعلق خاطر ویژه‌ی به دین اسلام داشته و در جای‌جای گفتارها و دفاعیاتش گاه ناگزیر به ارائهی مصادیقی شده است که نشان‌گر تعلق خاطر وی می‌باشد. به عنوان مثال به مسئله‌ی زنده به گور کردن دختران توسط اعراب جاهلی می‌پردازد و اصرار می‌نماید دین اسلام که بر روی کار آمد این مسئله را از بین برد و موجب نجات دختران از زنده به گور شدن شد.

روزبه شیفته‌ی حزب توده است. وی شوروی را قبله‌گاه آزادی می‌داند و بر این باور است که شوروی یگانه مملکت و سوسیالیسم اعمالی در شوروی یگانه سیستمی است که می‌تواند سعادت بشریت را تأمین کند. وی از استثمار و استعمار کشورهای غرب در ایران و سایر نقاط جهان

می‌نالد و علم مبارزه در مقابل آنان برمی‌افرازد. در دفاع از شوروی و حزب توده حاضر است جان خود را نیز فدا کند و به این موضوع افتخار نیز می‌کند.

این پای‌بندی به راه و روش حزب توده گاه اغراق‌آمیز به نظر می‌آید اما بایستی نکته‌ای را مد نظر قرار داد و آن این که خود روزبه اعتراف می‌نماید که به هر حال به اعدام محکوم شده و خواهد مرد لذا بهتر است که قهراً، نه و در دفاع از آرمان‌هایش جان بدهد تا این که ببرد و نادم و پشیمان شد و بر سر جانش چانه بزند.

ری از عدم وجود جاسوس در داخل حزب توده دفاع می‌کند و وابستگی حزب توده به شوروی را انکار می‌کند. او حزب توده را یگانه منجی ملت ایران می‌داند و شوروی را یگانه تکیه‌گاه قابل اعتماد!

اگر چه قبل از اعلام این موضع و روزبه موارد متعددی وجود داشت تا بتواند چشم و گوش خسرو را از نماید و موجب تغییر دیدگاه‌هایش در خصوص شوروی شود، نظیر حمایت فرقه‌ی دمکرات آذربایجان که به دست شوروی بر سر کار آمد و بدست آنان نیز از کار برکنار شد و یا جریان ملی شدن صنعت نفت که حزب توده به فکر امتیاز دهی به شوروی‌ها بود و شوروی نیز حامی سرسخت این حزب، اما گذر زمان به آنان که پس از روزبه آمدند اثبات کرد که کاخ پادشاهی فرمان‌های خسرو روزبه و امثال وی، چندان هم قابل تکیه نبود.

روزبه به دفاع از جریان فرقه‌ی دمکرات آذربایجان و کردستان می‌پردازد و این فرقه‌ها را تلاش مردم آن بلاد جهت دستیابی به خودمختاری می‌نماید. وی هیچ اشاره‌ای به ورود نیروهای شوروی به ایران و ارسال تجهیزات به این فرقه‌ها نمی‌نماید و چنین وانمود می‌کند که این دو فرقه صرفاً براساس خواست مردم این بلاد به پا خاستند.